



خطاکست

سخن سردبیر

در تایم لاین توئیتر می چرخیدم و توئیتهای را می خواندم. چشمم به یک عکس سیاه و سفید افتاد. از جزئیات عکس چیزی معلوم نبود ولی آنچه در نگاه اول به چشم می آمد، مساحت وسیعی از شهری مخروبه بود. توئیتهای را که خواندم فهمیدم عکس متعلق به شهر هیروشیماست. با خودم گفتم سالگرد بمباران هیروشیما که مرداد ماه بود، چه ربطی به الان دارد؟! اما حالا به نظرم بهترین وقت برای یادآوری آن فاجعه همین حالا بود. در همین ماه و در همین روزها.

نظرتان چیست نوار را کمی به عقب برگردانیم؟! البته کمی بیشتر از کمی؛ شاید به اندازه چندین قرن قبل. عقب تر از جنگ ویتنام و عراق و افغانستان. حتی قبل تر از جنگ جهانی اول و دوم.

درست همان لحظه ای که رد چکمه های آن دریانوردان عازم هند بر روی شن های ساحل سرزمینی ناشناخته افتاد. قارای جدید که پیش از آن روی هیچ نقشه ای نبود ولی از آن پس به همه اطلس های جهان اضافه شد. خب حالا نوار را روی دور تند بگذارید و دوباره ببینید. از سرخپوستانی که با جنگ میکروبی کشته شدند یا پرده هایی که بعد از پیاده روی های چندصد کیلومتری با زنجیرهایی بر دست و پا جان دادند یا آن هایی که در زیر عرشه کشتی از کمبود اکسیژن یا گرسنگی تلف می شدند و تنها آرزویشان این بود که راهی بیابند تا خود را به دریا بیندازند دنباله را بگیرید و بباید تا برسید به قربانیان گاز خردل و سم علف کش و بمب های خوشه ای و هسته ای در خیابان های شبه جزیره کره و کوچه پس کوچه های بغداد و ناکازاکی و سایگون و کابل. دنباله مسیر را که بگیرید احتمالا در جایی از این جاده خونین نام عملیات آذرخش کیود هم به چشمتان خواهد خورد.

همان عملیاتی که حوالی ۱ نیمه شب سوم ژانویه ۲۰۲۰ در یکی از مسیرهای خروجی فرودگاه بغداد انجام شد.

اما آن جاده خونین که روزی، کاشفان ینگه دنیا با ریختن خون اولین سرخپوست بومی قاره جدید، پا در آن گذاشته بودند، همچنان ادامه دارد. نمیدانم شاید لازم است روزی در جایی هرچامثلا زمین گلف کسی بتواند پس دهد. شاید اگر همان ابتدا قاتل آن اولین سرخپوست کشته شده مجازات می شد، دیگر برده ای جان نمی داد یا شاید دیگر کسی هیروشیما و ناکازاکی را نمی ساخت و اسمشان را نشنیده بود و مثل شهرهای دیگر جهان که هیچ اتفاق خاصی در آنها رخ نداده و در کتاب های تاریخ هم نیستند، آن دو شهر هم ناشناخته باقی می ماندند. شاید حتی عملیات آذرخش کیودی هم نبود. شاید لازم است روزی در جایی کسی توان پس دهد...



یادداشت

صفحه حوادث دی ماه!

۲۰

میز روایت

«قهرمان ما»

۴۵

معرفی کتاب

کشتی پهلوی گرفته

۷

گزارش

فصلی برای رویش

۳

یادداشت

اندر احوالات دخل و خرمان

۷۶

کسب و کار من

نوافرین شو

۸



سلامت دنیا بیماری است و بیماری‌اش شفا و سلامت؛ چرا که بنیان دنیا در عادات است و سلامت حقیقی، هر چه هست در ترک عادات و عتق ملکات است.
«شهید مرتضی آوینی»



صفحه حوادث دی ماه!

نه! امکان ندارد که رستم سهرابش را از قصد کشته باشد. او نمی‌دانشست بر پسرش تیغ کشیده است. خیال می‌کرد با دشمنش پیکار می‌کند. اگر باور ندارید از آقای فردوسی بپرسید. او راوی داستان است. بهتر از هر کسی می‌داند بین آن دو چه گذشته است.

بخوریم ولی مادرم گفته بود این‌ها همه افسانه‌اند و من هم پرسیده بودم افسانه چیست و او هم جواب داده بود.

از افکارم که بیرون خزیدم، چشمم افتاد به پاراگراف اول ستون دوم. به نظر می‌رسید در آن قسمت مصاحبه‌ای نوشته شده است. خبرنگار که انگار مثل همه مردم از تناقضات آن سه روز دلش حسابی پر بود، از دلیل تاخیر سه روزه گفتن حقیقت پرسیده بود و مصاحبه شونده هم در جواب گفته بود تحقیقات برای مشخص شدن حقیقت سه روز زمان برده؛ خبرنگار اما همچنان دلش پر بود. گله داشت از آن‌هایی که ندانسته، با قاطعیت تکذیب کرده بودند و آن‌هایی که به آن گروه تکذیب کنندگان نگفته بودند دست نگه دارید؛ ما در حال تحقیقیم!

دوباره مردمک چشمانم را رها کردم بین حروف و کلمات. مردمک‌های لغزان و بازیگوشم بالاخره از سراسر بازی بین سطرها و پاراگراف‌ها خسته شدند و در انتهای صفحه متوقف شدند.

همه آن کلمات ریز به هم چسبیده در آن صفحه‌ای نه چندان سفید از یک چیز می‌گفتند. هر کدام از زاویه‌ای متفاوت از یک حادثه تلخ می‌گفتند؛ اما آن چیزی که در انتهای صفحه خواندم با بقیه فرق داشت. دوباره چشمم به تیتیر همان صفحه افتاد. آن نقل قول‌های انتهای صفحه با تیتیر در

بخش حوادث روزنامه‌ها را ورق می‌زدم. به دی ماه که رسیدم، تیتیرها را می‌خواندم و رد می‌شدم. ۴ دی عملیات کربلای ۵، ۴ دی عاشورای ۸۸ و زلزله بم، ۱۳ دی ترور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی... تیتیر «ای داغ بر دل نشسته» را که دیدم اندکی مکث کردم. خیره شدم به تصویر بالای صفحه؛ عکس همان پیراهن معروف سبز سپاهی که جای ترکش و لکه‌های قرمز خون، بالای اسم گلدوزی شده «قاسم سلیمانی» دل آدم را می‌لرزاند.

از این صفحه دل کندم و به ورق زدن ادامه دادم. ۱۶ دی غرق شدن نفتکش سانچی، ۱۷ دی شهادت ۶۲ نفر از تشیع کنندگان در مراسم تشییع سردار در کرمان، ۱۸ دی سقوط پرواز ۷۵۲ هواپیمایی اوکراین.

تیتیر عجیب و متفاوت این صفحه مانع شد تا از آن هم مانند باقی صفحات بگذرم. در تیتیر با فونت درشت نوشته شده بود «تکرار داستان رستم و سهراب»

تشبیه غریبی ست. تا بفهمم چه شده خودم را در یکی از شب‌های کودکی دیدم؛ با کتابی با جلد یاسی که روی آن نوشته بود «داستان‌های شاهنامه برای کودکان». یادم می‌آید بعد از خواندن داستان رستم و سهراب چقدر غصه‌ام گرفته بود. داستان را برای مادرم هم تعریف کرده بودم تا دوتایی غصه

تناقض بودند. یک بار دیگر داستانی که در کودکی از آن کتاب یاسی رنگ خوانده بودم را مرور کردم. نه! امکان ندارد که رستم سهرابش را از قصد کشته باشد. او نمی‌دانشست بر پسرش تیغ کشیده است. خیال می‌کرد با دشمنش پیکار می‌کند. اگر باور ندارید از آقای فردوسی بپرسید. او راوی داستان است. بهتر از هر کسی می‌داند بین آن دو چه گذشته است.

ای کاش می‌توانستیم از راوی این داستان هم بپرسیم که در آن بامداد ۱۸ دی ماه چه گذشته. کسی چه می‌داند شاید او هم ارجاعمان بدهد به همان آقای فردوسی و بگوید داستان همان است فقط زمانش فرق می‌کند و تفاوت دیگرش این است که دومی افسانه نیست و واقعی ست. با این حساب در بامداد ۱۸ دی هم پدر نمی‌دانشست بر فرزندان تیغ کشیده و گر نه چرا باید وقتی ۵ روز قبل، در نیمه شب ۱۳ دی یکی از سهراب‌هایش را از دست داده بود دوباره خودش را داغدار کند و رخت عزایی دیگر به تن کند.

شبا همین افکار گوشه کاغذ نازک و بی‌حال روزنامه را میان انگشتانم گرفتم و با چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای به صفحه بعد رفتم. قبل از دیدن صفحه بعدی، صفحه روبه‌روی آن توجهم را جلب کرد. آن صفحه از نیمه بریده شده بود!

در تیتیرش نوشته بود: «راز توییست ۳۰ ساعت قبل از حادثه فاش شد!»

در بالای صفحه عکس یک توییست قرار داده شده بود که در متن آن نوشته شده بود: «آن‌هایی که به عدد ۵۲ اشاره می‌کنند بهتر است به عدد ۲۹۰ هم فکر کنند. #ri655»

20:56 06 jan. 2020

هیچوقت ملت بزرگ ایران را تهدید نکنید. در پایین توییست، تاریخ و ساعت آن نوشته شده بود. تمام مطالب از زیر عکس بریده شده بود و جز آن عکس و تیتیر چیز دیگری باقی نمانده بود. روی میز و اطراف را کمی گشتم تا شاید تکه گم شده را پیدا کنم ولی چیزی نیافتم.

از پایین قست بریده شده مطالب صفحه بعد معلوم بود. آن صفحه مربوط به حوادث ۱۹ دی بود. تصویر یک عکس دسته جمعی در وسط صفحه بود. خوابم گرفته بود. چشمانم درست نمی‌دید. از بین متن اطراف عکس چند کلمه و عبارت از مقابل چشمانم رد شدند.

سقوط... هواپیمای فرماندهان... سردار احمد کاظمی... دیگر نمی‌توانستم چشمانم را باز نگه دارم. ساعت را نگاه کردم. ۱:۲۰ نیمه شب بود. روزنامه را تا کردم...



فصلی برای رویش



تغییر دهند و در این صورت است که اوضاع جامعه می‌تواند با کمک دولت بهبود یابد.

مدیریت زمان و برنامه‌ریزی کلاسی بود که توسط آقای محمدحسین یدی، فعال دانشجویی و مسئول سابق بسیج دانشجویی واحد یادگار امام، با محوریت مدیریت وقت و برنامه‌ریزی روزانه در فعالیت‌های زندگی تشکیل شد. آخرین کلاسی که برای شرکت کنندگان در نظر گرفته شده بود کلاس رسانه و آشنایی با امور مرتبط با آن با حضور سیدمحمدعلی صدری نیا، مدیر ارتباطات و رسانه سازمان اوج، بود که در این کلاس اثرگذاری رسانه و ابزارهای آن مورد بحث قرار گرفت. همچنین آقای صدری نیا تکنیک‌های اقناع مخاطبان را یکی از پیام‌های رسانه‌ای بیان کردند و توجه به افکار عمومی در تولیدات رسانه‌ای را بررسی نمودند.

فصل رویش ۲ که با حضور اساتید برجسته برگزار شد بهانه‌ای بود تا دانشجویان پس از مدتی دوری از فضای دانشگاه، در کنار هم جمع شوند و شرایطی برای آموزش و فعالیت‌های همدلانه فراهم شود.

در آخر نیز با حضور در کنار مزار شهدای گمنام هدیه‌ای کوچک، یادگاری فصل رویش به افراد حاضر در کلاس‌ها و در پایان دوره هم به رسم سال گذشته بسته‌های فرهنگی به همه شرکت‌کنندگان تقدیم شد تا خاطره فصل رویش ۲ هم مثل سال گذشته در خاطره‌مان ماندگار شود.

امسال هم دوره آموزشی تشکیلاتی فصل رویش برای دومین سال پیاپی در دانشکده شریعتی برگزار شد. در این دوره بسیج دانشجویی شریعتی میزبان اساتید برجسته و دانشجویان علاقه‌مندی بود که در این دوره ثبت نام کرده بودند.

اولین کلاس راس ساعت ۹ صبح شروع شد با این تفاوت که برخلاف سال گذشته که دوره تماماً مجازی بود، امسال کلاس‌های تشکیل شده در روز اول به صورت حضوری در دانشگاه برگزار شد و علاوه بر شرکت کنندگان مجازی پذیرای بخشی از دانشجویان علاقه‌مند به شرکت حضوری و حضور در فضای دانشگاه بود.

در اولین کلاس مسئول اسبق بسیج دانشجویی، خانم فاطمه انوری به بحث و گفت‌گو در خصوص موضوعاتی چون کار تشکیلاتی، نوع فعالیت و اهداف بسیج و نقش بانوان در کارهای تشکیلاتی و جهادی پرداختند و دغدغه‌های مهم جامعه و نقش بسیج در مطالبه‌گری و بهبود آن‌ها را مورد بررسی قرار دادند. همچنین افراد با معاونت‌های مختلف بسیج و وظایف هر یک از آن‌ها آشنا شدند.

حسن ختام اولین کلاس با مشارکت حاضران در جلسه انجام شد. به این صورت که هر یک خود را در جایگاه معاونین یا برنامه‌ریزان برنامه‌های فرهنگی، جهادی و... قرار دادند و بر این اساس طرح‌ها و برنامه‌های خود را ارائه کردند.

پس از اقامه نماز جماعت ظهر توسط حجت الاسلام سعیدی آریا، کارشناس برنامه سمت خدا و استاد حوزه علمیه،

کلاس دوم با حضور ایشان و با هدف آشنایی با اخلاق تشکیلاتی برگزار شد. حجت الاسلام سعیدی به اهمیت اخلاص و تقوای عملی در کار گروهی تاکید کردند و خود برترینی و جلوگیری از منیت را موضوع بحث خود قرار دادند.

جناب آقای داوود گودرزی، سرپرست سازمان بازرسی تهران و مدیر قرارگاه ملی مبارزه با مفاسد اقتصادی، در حالی کلاس را آغاز نمودند که سخنان مقام معظم رهبری در مورد جوان انقلابی و تبیین دیدگاه‌های

ایشان در مورد جریان شناسی سیاسی را اصل بحث خود قرار داده بودند. ایشان جوانان را محور حرکت انقلاب

می‌دانستند و آنان را به ارائه طرح و برنامه برای حل مشکلات توصیه کردند. همچنین با اشاره به سخنان رهبر، تاکید داشتند همه مردم اگر بخواهند در کنار هم می‌توانند اوضاع کشور را





خدایا، پیوسته از تو خواستم که سراسر وجودم را مملو از عشق به خودت کنی.
«شهید حاج قاسم سلیمانی»



شهدا، محور عزّت و کرامت همه ما هستند. نه برای امروز، بلکه همیشه. اینها به دریای واسعه خداوند سبحان اتصال یافته‌اند.
«شهید حاج قاسم سلیمانی»

قهرمان ما

امروز در مرقه چشمم به بوستر افتاد که در میان لاله‌ها آرام گرفته بود و چشمانش را بسته بود و قهرمان ما...
پدرم...

طنش از برشانش این روزها بیانش خبر دارد.
این روزها که آدم‌ها حق از خودشان هم گریزان شده‌اند، در این روزها که آسمان شدت دلمان بیش از قبل تنگ و تاریک می‌شود.
از سیاه که بعد وقت دنیا را گرفت و هر چه گذشت پدر از غم از دست دادن شما کم نکرد. اگر شما هیچ‌وقت پدر بودی برادر کسان که بعد از وقتت نیتان به خیانت‌ها رفتند و جوار کشیدند و بر سر کوبیدند. شما نه تنها یک مرد، بلکه یک راه و روش، یک الگو و تعمیر درست بودید.
و بر شک...

پادشاه روزها صفت شما، شهادت، همان آرزوی دیرینه‌تان بود.
این وطن و سرتاسر جهان پر قدم‌ها را می‌دهد. بر شما فرو رفته‌ایم؛ اما سحر می‌کنیم مرد نبرد
چشمانت را آسوده ببند و قلبت را آرام بدان که ما هم تو را از قبل نام بر می‌داریم.
سردار کرام همیشه در سفر، سفر بغیر و سلامت.

سارا مهدور

یک روز که دهم اعلام خطر کردند
رفتند و شدند هست، چهره‌ها و چشمان آرد
بمقصد که برگشته‌اند یک عمر نفس گرفته
بگذریم همه بلند است زمان هم کوتاه
مرد از تبار هست که عشق و محبت
بین سرفه و غم دل غرق جنگ و اعتقاد است
عاقبت مثل کله‌دار دست او افتاد بر خاک
روزها بگذشت اما خاطرت درونگ مانده است

مردان بزرگ ما رفتند و سفر کردند
بر خنجر که گمانه‌ها فرزند این روح الله
یک دست دیگر هم در بند قفس گرفته
از دور تمام اعتقادات بر زمین
غم ماندن برادر قاسم ما جهانگه
برادر کاروانش سوره مهر و شهادت
دختر دارد و حرفش افتاد است
شده شهید عشق و ایثار با دل بر مهر و برادر
نفر بختن قشنگ حسرت دل هر تنگ است

مهر دوست

چه زیباتر رسالت عشق که تعبیر می‌شود به ماندن و جنگیدن با تمام اعتقادات و تعلقات و زیباتر آنجاست که آنچه باید بدان عشق خاطر داشت را انتصاب کرده و پایش چنانست.
و تو چه دلبانه نقش کردی در دل‌هایمان معاصر عشق را. امروز برادر تو می‌نویسم. با تمام شرفه‌گریم از تو می‌خوانم و غرق در حواس معطر وجود می‌شوم.
سردار من؛ اس که می‌شود از چشمانت برقرارت شوق پرواز را فیهید. چه استوار و متکلم بر خاک‌ریزهاست اقدام قدم بر می‌داری تا هم عالم معاصر معاصر را بدانند. تا هم مستگیران جهان قدم کوبنده فرزند اسلام را درگ کنند و چه زیبا دست‌ها خود را به سوس آسمان بلند و شهادت طلب می‌کنی و چه دعای نورانی‌تر از شهادت؟! آنچه که تمام حسانت را در خود جاس می‌دهد.
عشق، ایثار، مهر و عدالت.

قاسم سلیمانی با هم و عشق که در دل طالع‌اند انداخته، آرام دل دفتر داغیده از نبود پدر می‌شود و اشک از چشمانش پاک می‌کند. آرزو زلال سایه‌ها با تمام ایست و با تمام قوس و قدرت نظام‌گریش، سر به زیر دارد و ادعای جز بندگی نمی‌کند. سردار دل‌ها، مرد روزها صفت، امروز ایران سراسر یادگار توست.
در اهواز کاروشن خاطرات تو را با نوا آک زخم می‌کند. مهاد حکایت از ایثار و اقتدار فرمانده اس دارد که سرها و گرها، تدبیر و آشوب و نمرشده تسلیش نکرد. ارونه دغاها تو را تکرار می‌کند. خیانت‌هاست تیرانه‌نشان از شکوه و عظمت دواعی با تو را دارد. قاب کلس تو را نه تنها بر در و دیوار شهر و خانه‌هاست، بلکه آسم را حک کردیم به دل‌هایمان

قدم‌هایت شده است. چشمانت هدایت زنده بودن شده است. رنگ امید دارد و مهر.
سردارم؛ گفتم و گفتم تا برسم به اینجا. سال‌هاست که هزاران هزار سرباز و سردار همچون تو رفتند و با خودشان داشت ایثار را لاله باران کردند. بدان که ما فرزند این سرزمین دو سال که نه، هزار سال هم بگذرد استوار ایستاده‌ایم و آرم‌هاست شما را دلیل حیات خود می‌دانیم و سال‌هاست سال داور کوچک‌هاست بود بر حکایت‌هاست بزرگ ایثار شما و روایت و سال‌هاست کرد برادر فرزندانش از روزها تلخ و شیرین که قاسم‌ها دیدند مانده و از چه خواهیم کرد برادر فرزندانش از روزها تلخ و شیرین که قاسم‌ها دیدند مانده و از چه آرزوها که نگذاشته و چه راعته‌ها که بدل نگردانده به خوش‌دل تا امروز بتوانیم دوس با خودمان بایستیم و داخل روزها مان‌گرم و امید جاس باشد. هر یک از ما یک قاسم سلیمانی خواهیم شد برادر در هم کوشش مستگیران جهان امید که وعده ۲۵ ساله ما نزدیک است و قدمش خوش‌نماست زمین شهادت؛ چرا که خوش‌نماست حقیقت شهید نزد پروردگار اوست و لاغیر.

مهر دوست

در زندگی مهم این نیست که به ایده‌آل زندگی‌تان برسید؛ بلکه مهم این است که در مسیر رسیدن به ایده‌آل زندگی‌تان حرکت کنید.
«دکتر الهی قمشهای»



محدثه نیکو گفتار
کامپیوتر

یادداشت

اندر احوالات دخل و خرجمان!

بانک‌های دولتی که بیش از ۶۰ درصد از رقم بودجه را به خود اختصاص داده‌اند و تعیین تکلیف شرکت‌های دولتی زیان ده سال‌هاست که جزو مطالبات جدی از دولت است. بودجه عمومی هم خود به دو بخش منابع و مصارف عمومی و منابع و مصارف اختصاصی تقسیم می‌شود. منابع عمومی از ۳ بخش مالیات‌ها و درآمدهای غیرمالیاتی، عایدات نفتی و استقراض تشکیل می‌شود.

مصارف عمومی نیز شامل ۳ بخش هزینه‌های جاری، مصارف سرمایه‌گذاری (معروف به عمرانی) و بازپرداخت اصل و سود اسقراض است.

اگر مصارف دولت بیشتر از منابع باشد کسری بودجه اتفاق خواهد افتاد؛ البته کسری بودجه اگر در حدی باشد که با روش‌های معقول بتوان آن را جبران کرد، مشکل جدی ایجاد نخواهد کرد اما اتفاقی که در سال‌های اخیر رخ داده، عدم تحقق درآمدها و هزینه‌های پیشبینی شده و رقم بالای کسری بودجه پیشبینی نشده در لایحه بودجه بوده است. در چنین شرایطی دولت‌ها برای جبران کسری از روش‌های تورم‌زا همچون چاپ پول استفاده می‌کنند که در کوتاه مدت موجب کاهش ارزش پول ملی و تورم شدید خواهد شد. پس شاید بتوان اصلی‌ترین رسالت بودجه ۱۴۰۱ را کنترل کسری و تورم‌زا نبودن دانست.

گرچه در بودجه ۱۴۰۱ تحول ساختاری ایجاد نشده و در ساختار آن ایرادات ریز و درشت زیاد از جمله عدم شفافیت بودجه بانک‌ها و شرکت‌های دولتی همچون سال‌های قبل به چشم می‌خورد، اما باید توجه داشت که تحول باید گام به گام صورت بگیرد و چنین تحول ساختاری و عظیمی طبیعتاً یکساله امکان پذیر نیست ولی خاموش کردن موتورهای تورم و کنترل کسری بودجه جزو انتظارات اولیه و مطالبه عمومی از دولت در بودجه ۱۴۰۱ است و باید دید دولت تا چه میزان در تحقق آن موفق عمل خواهد کرد.

آن مورد قابل توجه دیگر که در بودجه ۱۴۰۱ خبرساز شد، حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و افزایش ۶۲ درصدی درآمدهای مالیاتی بود. در مورد افزایش درآمدهای

در خانواده شما دخل و خرج با هم می‌خواند؟ درآمدها و مخارج با هم تناسب دارند؟

همانطور که می‌دانید وضعیت دخل و خرج کشور در سال‌های گذشته مانند وضعیت خانواده‌ای بوده که درآمدهایش به مخارجش نمی‌رسید و هر سال ناچار به فروش اسباب و لوازم منزل می‌شد و علاوه بر آن قرض و بدهی هم بالا می‌آورد؛ البته اشتباهات این خانواده در اینکه برای کاهش هزینه‌های جاری و یا افزایش درآمد فکری نکرده قطعاً در وضعیت پیش آمده دخیل بوده است.

از اواخر آذر ماه که لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ به مجلس رفت، محافل نقد و بررسی بودجه ۱۴۰۱ حساسی داغ شد.

اگر از آن دسته افرادی هستید که علاقه‌ای به بررسی اینجور مسائل ندارید بهتر است بدانید که وضعیت بودجه ریزی هر سال، مستقیماً بر روی بودجه خانواده شما و صدا البته خود شما تاثیر خواهد داشت و با بررسی لایحه بودجه سال آینده می‌توانید وضعیت بودجه‌ای خودتان در سال آینده را هم حدس بزنید.

برای اینکه نقد و بررسی بر بودجه ۱۴۰۱ داشته باشیم ابتدا باید با تعریف بودجه آشنا شویم. به طور کلی تخمینی از درآمد و هزینه در طول یک بازه زمانی مشخص در آینده بودجه نام دارد که می‌تواند برای شخص، خانواده، کسب‌وکار، شرکت، دولت، کشور و تقریباً هر چیزی که درآمد و هزینه دارد، مورد استفاده قرار بگیرد.

رقم بودجه امسال ۳۶۳۱ هزار میلیارد تومان است. این بودجه به دو بخش بودجه عمومی و بودجه شرکت‌ها تقسیم می‌شود. از این رقم، ۱۵۰۵ هزار میلیارد

تومان بودجه عمومی و بقیه معادل

۲۲۳۱ هزار میلیارد تومان، بودجه

شرکت‌ها و بانک‌های دولتی است.

در اینجا نکته قابل توجه این است

که بودجه شرکت‌ها و بانک‌های

دولتی که بخش اعظم رقم

بودجه را به خود اختصاص

داده شفاف نیست و

تمام نقدها بحث‌ها و

تحلیل‌ها تنها مربوط

به همان ۱۵۰۵ میلیارد

تومان بودجه عمومی‌ست.

شفافیت بودجه شرکت‌ها و

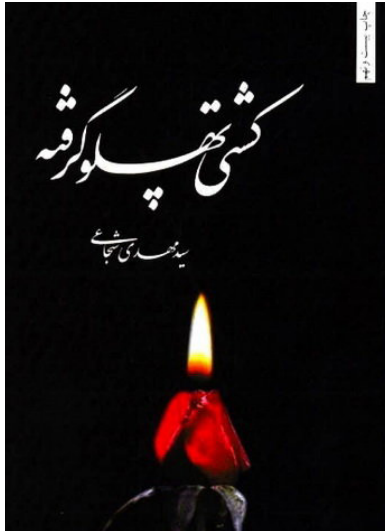


سال ۱۴۰۱ • شماره ۴۴ • دی ماه ۱۴۰۰

ادامه در صفحه بعد:

فکرت

کشتی پهلو گرفته



فاطمه، چه واژه غریبی. به راستی چند نفر از ما مادر غریب‌مان را آن‌طور که باید می‌شناسیم؟ فارغ از روایت شهادت‌شان و چند حدیث و داستان، چقدر از زندگی برترین زن عالم می‌دانیم. در این ایام خواندن کتاب کشتی پهلو گرفته نوشته سید مهدی شجاعی در مورد زندگی حضرت فاطمه (ع) که با زبان داستانی و بسیار قابل فهم نوشته شده است، خالی از لطف نیست.

سید مهدی شجاعی یکی از توانمندترین نویسندگان حوزه کتاب‌های مذهبی‌ست. این کتاب که پرفروش‌ترین کتاب این نویسنده است در چهارده فصل تهیه شده که هر فصل از زبان یکی از بستگان حضرت زهرا(ع) یا خود ایشان در مورد فراز و فرودهای زندگی آن حضرت از زمان ولادت تا شهادت ایشان نوشته شده است. کتاب با نثری روان و قلمی گیرا نوشته شده و گاهی آن قدر بر دل می‌نشیند که بی آنکه بفهمید اشک‌هایتان کاغذ صفحات را چروک خواهد کرد.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: روزگار غریبی است دخترم! دنیا از آن غریب‌تر! این چه دنیایی است که دختر رسول خدا را در خویش تاب نمی‌آورد؟ این چه روزگاری است که «راز آفرینش زن» را در خود تحمل نمی‌کند؟ این چه عالمی است که دردانه خدا را از خویش می‌راند؟ روزگار غریبی است دخترم. دنیا از آن غریب‌تر. آنجا جای تو نیست، دنیا هرگز جای تو نبوده است. بیا دخترم، بیا، تو از آغاز هم دنیایی نبودی. تو از بهشت آمده بودی. تو از بهشت آمده بودی....

مالیاتی نمیتوان صراحتاً گفت که کاملاً منفی‌ست یا کاملاً مثبت، بلکه مثبت یا منفی بودن آن به نحوه اجرای آن برمی‌گردد. برای مثال اگر افزایش درآمدهای مالیاتی از محل فرارهای مالیاتی و معافیت‌های مالیاتی تامین شود و به قشر ضعیف و معیشت مردم و تولید کشور آسیبی وارد نکند بسیار هم مثبت است. نمونه‌ای امیدوار کننده در لایحه ۱۴۰۱ حذف معافیت مالیاتی موسسات کنکور است. اگر موارد اینچنینی به درستی اجرا شود از آنجایی که مالیات جزو درآمدهای پایدار در بودجه محسوب می‌شود می‌تواند از کسری بودجه نیز پیشگیری کند؛ اما اگر همچون گذشته فشار آن تنها بر اقشار ضعیف جامعه یا تولیدکنندگان وارد شود و فرارها و معافیت‌های مالیاتی پابرجا باشد طبیعتاً افزایش مالیات طبقات منفی خواهد داشت.

در خصوص حذف یا عدم حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی هم می‌توان گفت انتخابی بین بد و بدتر است و هر یک از این دومی‌ها عواقب خاص خود را دارد ولی اگر دولت تصمیم به حذف آن داشته باشد حداقل انتظارات، انجام مقدمات لازم برای کنترل بازار آزاد و همچنین توضیح مسائل و ایجاد آمادگی ذهنی برای مردم و درنظر گرفتن تمهیداتی برای جبران تورم ناشی از این اقدام است.

مواردی که گفته شد، مطالبات بخش زیادی از مردم در خصوص بودجه سال آینده بود؛ اما در میان بازار گرم اخبار بودجه‌ای، مثل همیشه شایعاتی هم پخش شد که شاید شما هم شنیده باشید.

افزایش عوارض خروج از کشور به ۵ میلیون تومان، حذف وام ازدواج از بودجه، افزایش بودجه نهاد ریاست جمهوری، مانور روی بودجه نهادهای فرهنگی و نظامی و... بخشی از شایعاتی‌ست که یا به طور غیر عمد و از روی عدم دانش کافی و در نتیجه تفسیر اشتباه بودجه صورت گرفته و یا عمداً و به منظور تشویش افکار عمومی و یا به حاشیه بردن خواسته‌ها و مطالبات اصلی پخش شده است. به هر صورت همه ما باید با آگاهی از اولویت‌ها و تشخیص مطالبات زرد و شایعات، به کمرنگ شدن موارد و موضوعات اصلی دامن نزنیم.



اگر کاری را انجام دهید که همیشه انجام داده‌اید، همان نتیجه‌ای را می‌گیرید که همیشه گرفته‌اید.



نسرین رحیم پور
گیاهان دارویی

کسب و کار من

نوآفرین شو

99 در بخش ویژه نوآفرین شو هر شماره با یک دانشجوی کارآفرین صاحب کسب و کارهای دانشجویی آشنا شوید. در چهارمین شماره نوآفرین شو، داستان دنیای رنگی آشپزی را از زبان شقایق ولایتی بخوانید:

سلام! شقایق ولایتی هستم. در مقطع کاردانی ترم آخر رشته امور اداری درس می‌خوانم. متولد ۱۰/۱۰/۷۹ هستم و در شهر تهران زندگی می‌کنم.

داستان علاقه من به آشپزی از کودکی‌ام شروع می‌شود. از ۷ سالگی پول‌هایم را جمع می‌کردم و وقتی از مدرسه برمی‌گشتم وسایل لازم را تهیه می‌کردم و تزیین سالاد انجام می‌دادم. سالادها آن قدر قشنگ می‌شدند که کسی دلش نمی‌آمد به آن‌ها دست بزند و تزیینش را خراب کند. از همان موقع فهمیدم که استعداد آشپزی و هنری دارم. کم‌کم شروع کردم به پختن کیک و غذا و... اوایل خراب می‌کردم اما بعد از تمرین و تکرار، آشپزی‌هایم خیلی خوب و فوق العاده خوشمزه می‌شدند و فهمیدم استعدادش را دارم. ۹۶ سال برنامه سرآشپز پایپون را نصب کردم و آشپزی‌هایم را به اشتراک گذاشتم. بازخوردهای خوبی داشت و همه خیلی خوش‌شان آمد. الان در برنامه سرآشپز پایپون حدود ۱۲ هزار دنبال کننده دارم.

بعد تصمیم گرفتم صفحه اینستاگرام بزنم و آموزش‌هایم را در آنجا هم به اشتراک بگذارم تا بقیه هم استفاده کنند و یاد بگیرند. بعد از کلی تلاش، ۵ هزار دنبال کننده جذب کرده بودم که اینستاگرام صفحه را حذف کرد؛ اما من ناامید نشدم و از اول شروع کردم. باز هم تلاش کردم و مخاطب جذب کردم و سفارش گرفتم.

تنها چیزی که باعث می‌شود انگیزه داشته باشم و ادامه بدهم این است که تلاش‌هایم به ثمر بنشینند و در آینده به جایی که می‌خواهم برسم و کمک حال پدرم باشم و او به من افتخار کند. الان تصمیم دارم از شیرینی‌هایی که برای عید درست می‌کنم بسته‌هایی تهیه کنم و بفروشم.

برنامه‌ام برای آینده این است که یک شیرینی‌سرا یا یک رستوران بزرگ بزنم. اخیراً کار شم‌سازی هم با دوستم انجام می‌دهیم که آن هم خیلی خوب است.



@shaghayegh_food

- به نظر من برنامه‌ریزی خیلی مهم است و مسیر رسیدن به اهداف را نزدیک‌تر می‌کند.
- چیزی که می‌خواهم به تک تک هم‌دانشگاهی‌های عزیز و خواننده‌های این شماره بگویم این است که من از همان دوران کودکی استعداد خودم را پیدا کردم و پیش رفتم و الان خدا را شکر کم کم به اهدافی که دارم می‌رسم.
- استعداد خودتان را پیدا کنید و پیگیرش باشید و آن را گسترش دهید. اصلاً به حرف‌های منفی دیگران توجه نکنید و فقط اراده‌تان را قوی کنید تا به چیزی که در حوزه علاقه‌مندی‌تان هست برسید. برای چیزهایی که به آن‌ها علاقه ندارید وقت هدر ندهید و به علاقه‌مندی‌هایتان بپردازید. امیدوارم همگی موفق باشید و به چیزی که می‌خواهید برسید.



نویسنده خط‌کش باشید!
اگر دوست دارید در نوشتن مطالب، تهیه و طراحی نشریه خط‌کش با ما همکاری کنید به نشانی @ngar_omd در تلگرام پیام بدید.

نشانی ما در شبکه‌های اجتماعی:
@basij_uni_shariaty
صفحه اینستاگرام:
@bsj_shariaty



خط‌کش